

## موزه مردم‌شناسی ماسوله

### در گفت‌وگو با فرهاد شرفی

این اقدام بوده است. همیشه دلم می‌خواست بدانم در گذشته در ماسوله چگونه زندگی می‌کردند، چه می‌پوشیدند، چه می‌خوردند، ابزار کارشان چه بود؟ من علوم اجتماعی خوانده‌ام و خانواده‌ام من یکی از خانواده‌های کهن ماسوله است. این دو عامل نیز در ساماندهی موزه بسیار تأثیر داشته‌اند. در آغاز، در سال ۱۳۷۲ تک‌نگاری درباره ماسوله انجام دادم و به چاپ رساندم و به زبان انگلیسی هم ترجمه کردیم و به شهرداری‌ها و سفارتخانه‌ها و دیگر نهادهای فرهنگی دادیم. تک‌نگاری ماسوله را در پنج هزار نسخه چاپ کردیم و باید تجدید چاپ بشود.

#### ● چگونه و از چه سالی وسایل مردم‌شناسی ماسوله را گرد آوردید؟

○ این مسئله به ۲۵ سال قبل بر می‌گردد. همان‌طور که گفتیم ما خانواده کهنی در ماسوله هستیم و خود من ۲۵ نسل از خانواده‌ام را می‌شناسم - شجره‌نامه داریم. بالطبع در خانواده ما بسیاری وسایل قدیمی بود که من همیشه فکر می‌کردم چرا دیگر امروز از این وسایل استفاده نمی‌شود و باید با اینها چه کرد. از همان زمان این وسایل را جمع‌آوری و حفاظت کردم و بعد وسایل دیگری را خریدم و برخی از مردم که علاقه مرا می‌دیدند آثارشان را به من می‌دادند. موزه‌گردی را دوست می‌داشتم. بسیاری از موزه‌ها را دیده‌ام. همین باعث شد که از این اشیا نمایشگاه موقت بگذارم. در نمایشگاه روستاهای شگرف که در ماسوله برگزار شد، با اجازه شهرداری این آثار را با زیرنویس به نمایش گذاشتم.

#### ● چه چیز این اشیا برایتان جالب بود، آیا

#### مقدمه

سال‌های سال است که شهرک ماسوله، با توجه به معماری ویژه آن، قطب گردشگری گیلان بوده است. در سال‌های اخیر نگاه ویژه‌ای به ماسوله شده است و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری برنامه‌های خاصی را برای احیای ماسوله تدوین کرده است. چند سالی است که این شهرک به عنوان یک پروژه بزرگ با مدیریت دکتر شفیعی و همکاری‌اش ساماندهی و روز به روز تعداد بازدیدکننده از این شهرک بیشتر می‌شود.

سال گذشته به ماسوله رفته بودم، امسال هم می‌روم (تیر ۱۳۸۳). ماسوله در این یک سال تغییرات عجیب و غریبی کرده است. قبل از این که وارد ماسوله بشوی، جلو اتومبیلت را می‌گیرند و یک قبض سیصدتومنی با مهر شهرداری ماسوله دستت می‌دهند. فکر می‌کنم ماسوله اولین بازار در یکی از مناطق تاریخی ایران است که پارچه‌ها و... برخی از کشورهای همسایه را به معرض فروش گذاشته است. - بازاری بسیار کوچکتر از جمعه‌بازاری که در پارکینگ در خیابان استامبول تهران برگزار می‌شود - به فکر فرو می‌روم. چه بلایی قرار است بر سر این شهرک نازل شود، نمی‌دانم. سراغ موزه مردم‌شناسی ماسوله می‌روم که به پایمردی آقای شرفی، خود به خود شکل گرفته است. موزه‌ای که از علم موزه‌داری بهره‌ای نگرفته و در عین حال موزه است. موزه‌ای خودجوش و به همین دلیل حتی اگر موزه‌دار با تجربه و سخت‌گیری هم باشی، حال و هوای نجیب و پاک موزه متأثر می‌کند.

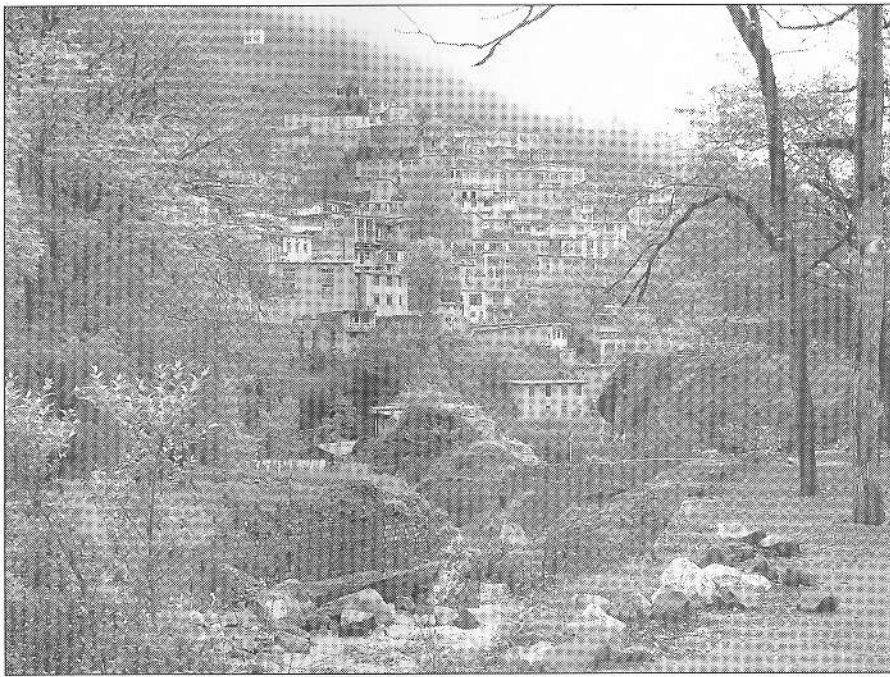
ماسوله‌ای‌ها حمایت معنوی می‌شود.

برپاکننده این موزه مرد میانه‌سالی است به نام فرهاد شرفی. ماسوله‌ایست، علوم اجتماعی خوانده است و دبیر تاریخ است. عشق و علاقه او به ماسوله و فرهنگ مردم آن سامان، وی را وا داشته است تا در این شرایط به تنهایی آستین بالا بزند و موزه‌ای بسازد. حرف‌هایش را می‌شنویم:

#### ● چه شد که به فکر تأسیس موزه در ماسوله افتادید؟

○ به قول آقای مهندس بهشتی «تذکر» دلیل

همین که از دومین سربالایی ورودی ماسوله گذشتی در دست راست، نوشته‌ای به دو زبان فارسی و انگلیسی نظرت را جلب می‌کند. «موزه مردم‌شناسی ماسوله» و می‌دانم که این موزه زیر چتر هیچ دستگاه اداری نیست و شاید سومین موزه از این سنخ در ایران باشد. موزه کندلوس در یکی از روستاهای مازندران، موزه دمام در یکی از روستاهای اصفهان و سومین موزه مردم‌شناسی ماسوله است که به تازگی شروع به کار کرده است و به شدت از طرف میراث فرهنگی و گردشگری، کمیسیون ملی یونسکو در ایران و



فرهنگ بومی خود هستند و نیز کسانی که پروژه بزرگ ماسوله را اداره می‌کنند. و ما در صد ایجاد انجمن فرهنگی غیردولتی I.G.U هستیم.

● **جدا از فلزکاری، درودگری ماسوله هم یکی از میراث این منطقه محسوب می‌شود. کار روی چوب در ماسوله در چه موقعیتی قرار دارد؟**

○ به نکته جالبی اشاره کردید، درودگری یا کار روی چوب ماسوله با شهرستان فومن و رشت نیز تفاوت‌های اساسی دارد. آقای مهندس خدابخش - پایان‌نامه‌اش را روی هنرهای چوبی ماسوله نوشته است و تمام کارهای موجود در ماسوله را نیز مستندسازی کرده است. همه در این فکر هستند که نگذارند این بخش از میراث فرهنگی ماسوله نیز بر اثر فشار فرهنگ‌های دیگر از بین برود. این حرفم به این معنی نیست که نسبت به فرهنگ‌های دیگر بی‌اعتنا باشیم. هدف این است که هویتمان را از دست ندهیم. این مسئله، مسئله سازمان علمی فرهنگی یونسکو نیز هست تا فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها از بین نروند.

● **اجازه بدهید به نمایشگاه روستاهای شگرف برگردیم. ماسوله یک روستای شگفت است و شما هم به نظرم کار شگفتی کردید. سؤال این است آثاری را که برای خودتان گردآوری کرده بودید، چگونه به فکر افتادید تا آنها را برای دیگران هم به نمایش بگذارید؟**

○ حضور در نمایشگاه روستاهای شگرف درس بزرگی برای من بود، وقتی گردشگران بویژه خارجی‌ها می‌آمدند و ماسوله را می‌گشتند می‌گفتند، فقط همین؟

وسایل را آن‌طور که خود می‌خواستند، می‌ساختند. این مهم را در گویش ماسوله‌ای نیز داریم. گویش تالشی ماسوله، با گویش تالشی همسایه‌اش یکسان نیست. این‌ها به دلیل فرهنگ بسته‌ای است که در ماسوله وجود داشته است.

● **فرهنگ بسته یعنی به دور ماندن از تهاجم منظورتان است یا...؟**

○ فرهنگ ماسوله‌ای اجازه نمی‌دهد تا فرهنگ دیگری آن را تسخیر کند.

● **از مردم‌شناسی دیروز و امروز ماسوله بگویید. با توجه به این نکته که ماسوله قطب گردشگری گیلان و ایران است و ایرانگردان و جهانگردان زیادی از این منطقه بازدید می‌کنند، این نوع سیستم گردشگری چه تأثیری می‌تواند بر روی فرهنگ مردم ماسوله داشته باشد و این امر اگر بدون برنامه‌ریزی باشد تا چه اندازه می‌تواند فرهنگ ماسوله را از ماسوله دور کند؟**

○ ماسوله در سال، یک و نیم تا دو میلیون نفر گردشگر دارد، بالطبع این حد رفت و آمد می‌تواند در فرهنگ مردم ماسوله تأثیرگذار باشد. هدف ما - کسانی که در ماسوله کار فرهنگی می‌کنند - این است که با تمام توان بکوشیم تا فرهنگ ماسوله بی‌رنگ و یا حذف نشود.

● **غیر از شما چه کسانی در ماسوله کار فرهنگی می‌کنند؟**

○ غیر از موزه مردم‌شناسی ماسوله، افراد فرهنگی بسیاری در ماسوله هستند که خود نگهدار

شکل آثار بود یا نوع ارتباط این اشیا با مردمی که شما آنها را می‌شناختید و با آنها بزرگ شدید؟

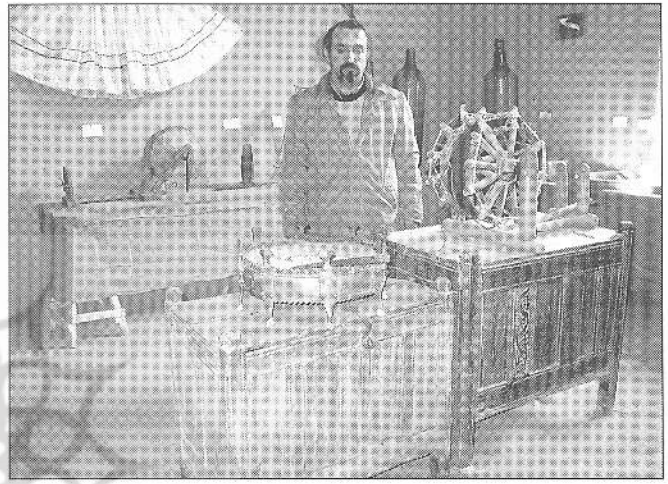
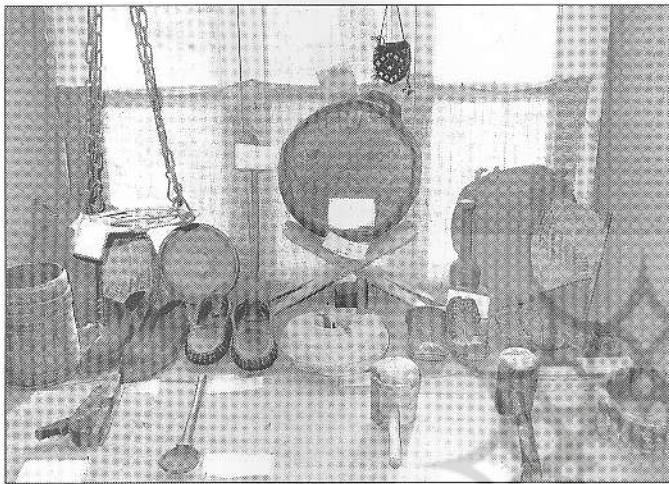
○ جنبه تاریخی این آثار برای من مهم بود. برای مثال پیه‌سوزی در ماسوله پیدا کردم، دلم می‌خواست بدانم به چه دلیلی این شیء این گونه ساخته شده، پیه‌سوز بسیار دیده‌ام، ولی پیه‌سوزی که در ماسوله بود، با پیه‌سوز مناطق دیگر فرق داشت. بیشتر می‌خواستیم آنچه را که در ورای شیء هست بدانم و بشناسم.

● **موقعیت جغرافیایی ماسوله به گونه‌ایست که باید از فرهنگ مردمان اطراف خود بویژه زنجان - اگر اشتباه نکنم - متأثر بوده باشد. آهنگری و چاقوسازی شاید مثال خوبی باشد که به نظر من باید متأثر از فرهنگ مردمان زنجان باشد.**

○ اجازه بدهید توضیحی بدهم، موقعیت جغرافیایی ماسوله در گیلان موقعیتی بسیار ممتاز بوده است.

● **به چه معنی؟**

○ در صد ساله اخیر ماسوله تنها دهکده متمرکز گیلان بوده است. روستاهای گیلان اغلب خانه باغ است و به صورت پراکنده به حیات خود ادامه داده است. شرایط طبیعی در ماسوله باعث شد این روستا منسجم و یکپارچه شکل بگیرد. می‌خواهم بگویم ماسوله‌ای‌ها هر آنچه را که از دیگران می‌گرفتند، آن را از آن خود می‌کردند. چاقوسازی شاید مثال خوبی باشد، چاقوهای زنجان با چاقوی ماسوله به هر لحاظ که فکر می‌کنید با یکدیگر تفاوت‌های عمده دارند. در گذشته از انگوران مس می‌آوردند و صنعتگران ماسوله‌ای



روزهای تعطیل موزه را باز نگه می‌داریم.

● از حرفهای شما چنین بر می‌آید که درس موزه‌داری نخوانده‌اید، موزه را چگونه اداره می‌کنید و با نهادهای فرهنگی چه رابطه‌ای دارید؟

○ همین طور است، کلاس موزه‌داری نپندهام و دلم می‌خواهد در این گونه کلاس‌ها شرکت کنم. همسر و دخترم در کار موزه کمک من هستند. همسرم دبیر است و دخترم به عنوان مترجم با موزه در ارتباط است. با کمیسیون ملی یونسکو در ایران نزدیک هستم و خانم فراهانی ما را در این امر بسیار تشویق کرده‌اند و می‌کنند. موزه ما عضو ایکوم ایران است. خانم بورل لاما که از طرف یونسکو به اینجا آمده بود، از دیدن موزه ماسوله شگفت‌زده شده بود.

● دلتان می‌خواهد شکل آرمانی موزه مردم‌شناسی ماسوله چگونه باشد؟

○ دلم می‌خواهد موزه به گونه‌ای شکل بگیرد تا هر بازدیدکننده‌ای که وارد این شهر می‌شود از موزه هم بازدید کند. دلم می‌خواهد جدا از آثار تاریخی و مادی، فرهنگ معنوی را تا آنجا که مقدور است زنده کنم.

جای جهان که باشد از این که می‌شوند ماسوله دارای موزه‌ای از آثار منطقه خودش شده است خوشحال می‌شود.

● بدین ترتیب موزه مردم‌شناسی ماسوله به همت شما و مردم ماسوله شکل گرفته است؟

○ دقیقاً همین طور است. مردم ماسوله بنیانگذار موزه بوده‌اند.

● کمک‌های غیرمادی میراث فرهنگی در برپایی موزه چه بوده است؟

○ من بسیار از کمک‌های آقای دکتر شفیعی و مهندس آرش خدابخش باید سپاسگزار باشم که مسئولین پروژه بزرگ ماسوله از طرف سازمان میراث فرهنگی و گردشگری هستند. آنها بسیار به من کمک کردند.

● آیا هر روز موزه مردم‌شناسی ماسوله باز است؟

○ منطقه ماسوله، منطقه فصلی برای گردشگری است و در فصل‌های پاییز و زمستان که هوا سرد می‌شود، مردم کمتری به این منطقه می‌آیند. موزه از اول نوروز تا اواخر مهر هر روز باز است. بعد از این فصل مردم کمتری به ماسوله می‌آیند و ما فقط

گذشته ماسوله کجاست؟ من به این نکته پی بردم که بازدیدکنندگان از ماسوله، غیر از آنچه را که می‌بینند چیز دیگری هم می‌خواهند و آن روح ماسوله است و روح ماسوله یعنی زندگی مردم این سامان در طول زمان؛ یعنی ابزار و وسایل معیشتی مردم ماسوله. از این رو این آثار را بیرون آوردم، برایشان زیرنویس تهیه کردم و به نمایش گذاشتم و همین باعث شد تا سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به ما اجازه تأسیس موزه بدهد. به نمایش گذاشتن آثار ماسوله در موزه، فکر می‌کنم، بسیاری از مخاطبین فرهنگی را، در رابطه با فرهنگ ماسوله راضی می‌کند.

● جدا از گردشگران، ایجاد موزه در ماسوله چه تأثیری بر روی مردم ماسوله گذاشته است و آنها چه واکنشی نسبت به این موزه دارند؟

○ ماسوله‌ای‌ها بسیار از این موزه استقبال کرده‌اند. باید از همشهریان خودم تشکر کنم، بخشی از آثاری که در موزه نگهداری می‌شود، از آن مردم است یا آنها را هدیه داده‌اند و یا به امانت گذاشته‌اند. روز گذشته در تهران، در جمع ماسوله‌ای‌های مقیم تهران بودم، آنها هم بسیار تشویقم کردند. به هر حال موزه یکی از نهادهای فرهنگی است و هر ماسوله‌ای در هر